

RS

نفع روسیه
از حمله اسرائیل به ایران

با تداوم آتش‌بس ناپایدار بین اسرائیل و ایران، عوارض جانبی «جنگ ۱۲ روزه» مخرب آنها ممکن است برای منافع روسیه در اوکراین مفید باشد. مارک اپیسکوپوس، پژوهشگر برنامه اوراسیای موسسه کوئینسی، معتقد است که روسیه «مطمئناً از افزایش قیمت نفت در نتیجه درگیری اسرائیل و ایران سود خواهد برد». اپیسکوپوس تأکید می‌کند که «اندازه‌گیری دقیق سود یادآورده دشوار است» و الکساندر موتیل، تحلیلگر، معتقد است که چنین افزایش قیمتی برای مسکو «موقتی به‌نظر می‌رسد.» در همین حال، جنگ اسرائیل علیه ایران ممکن است توجه غرب - و کمک‌های نظامی - را که زمانی به اوکراین اختصاص داشت، به اسرائیل منحرف کرده باشد و در نتیجه چیزی باشد که اپیسکوپوس آن را «اثر سرریز مثبت» برای تلاش‌های جنگی روسیه می‌نامد. در واقع، نیکیتا اسمایگین، تحلیلگر، به الجزیره گفت که رهبری روسیه «روی این سناریو حساب می‌کند.» اظهارات ترامپ در مورد احتمال ارائه موشک‌های دفاع هوایی پاتریوت به اوکراین پس از اجلاس اخیر ناتو، که در آن ترامپ توضیح داد که ایالات متحده نیز چنین موشک‌هایی را به اسرائیل عرضه می‌کند، همین موضوع را نشان می‌دهد. دولت بایدن پیش از این در توافقی با اوکراین، قول موشک‌های پاتریوت را داده بود. ترامپ در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از اجلاس ناتو گفت: اوکراین می‌خواهد «موشک‌های «ضدموشک»... پاتریوت‌ها را داشته باشد و ما خواهیم دید که آیا می‌توانیم تعدادی از آنها را در دسترس قرار دهیم یا خیر. می‌دانید، تهیه آنها بسیار دشوار است. ما هم به آنها نیاز داریم. ما آنها را به اسرائیل عرضه می‌کردیم.» در همین حال، تمرکز شدید اجلاس ناتو بر جنگ اسرائیل علیه ایران نشان داد که چگونه جنگ اوکراین، که موضوع داغ اجلاس‌های قبلی بود، به حاشیه رانده شده است. ایان پرواد، دیپلمات سابق بریتانیایی، به حوزه تمرکز اصلی دیگر اجلاس ناتو اشاره کرد که افزایش هزینه‌های دفاعی کشورهای ناتو تا ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی بود، که اساساً به معنای «تحمیل» مسئولیت‌های ترامپ در رابطه با جنگ اوکراین بر دوش اروپا است. «با فروکش کردن هیاهوی اجلاس ناتو، سوال بزرگ این است که حالا که متحدان اروپایی برای صرف هزینه بیشتر و خرید تجهیزات آمریکایی با پیش گذاشته‌اند، چقدر صبر خواهد داشت تا دستور کار صلح در اوکراین را پیش ببرد؟» پرواد خاطرنشان کرد که دور سوم مذاکرات مستقیم بین روسیه و اوکراین ممکن است اوایل هفته آینده برگزار شود اما حتی اگر روسیه و اوکراین به زودی مستقیماً صحبت کنند، با توجه به محوریت دولت او در موفقیت مذاکرات، بی‌صبری ترامپ ممکن است به معنای نابودی یک راه‌حل دیپلماتیک باشد. زک پایکین، معاون مدیر پروژه نظم بهتر موسسه کوئینسی و محقق برنامه استراتژی نیز گفت: «مسئله بزرگتر این است که مواضع اوکراین و روسیه همچنان از هم فاصله زیادی دارد، تا حدودی به این دلیل که هم کی‌یف و هم مسکو فکر می‌کنند که زمان به نفع آنهاست. این اختلافات فقط می‌تواند توسط ایالات متحده حل شود، اما دولت ترامپ صبر، پهنای باند و تخصص لازم برای ادامه چنین فرآیند پیچیده‌ای را ندارد. اما در نهایت، این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که مذاکرات مدت‌ها قبل از شروع جنگ اسرائیل و ایران با مشکل مواجه شده بود.» پایکین همچنین گفت که دخالت ایالات متحده در درگیری اسرائیل با ایران، جایی که ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد، «تردیدها را در کرملین در مورد اینکه آیا دونالد ترامپ یک طرف مذاکره قابل اعتماد است و اینکه آیا ایالات متحده قادر به جلب حمایت متحدان خود برای حل و فصل دیپلماتیک است»، افزایش داده است. اما بدبینی فزاینده در مورد نقش ایالات متحده در دیپلماسی جنگ اوکراین، لزوماً به این معنی نیست که روسیه روی بهره‌برداری از مزایای احتمالی درگیری اسرائیل با ایران حساب باز کرده است. در عوض، اپیسکوپوس معتقد است که روسیه ممکن است با شرکت در تلاش‌های دیپلماتیک مربوط به جنگ به اصطلاح ۱۲ روزه - در صورتی که ایالات متحده نیز در آن مشارکت داشته باشد - سود ببرد. اپیسکوپوس گفت: «کرملین هرگز در رابطه روی میانجیگری یا حداقل میانجیگری بین ایران، اسرائیل و ایالات متحده نیست است. میزان استقبال ایالات متحده از این نوع نقش روسیه احتمالاً به استراتژی گسترده‌تری بستگی دارد که کاخ سفید در مذاکرات احتمالی با ایران دنبال خواهد کرد.»

بین‌الملل
INTERNATIONAL

خطر اشتباه استراتژیک از سوی ترامپ

دولت آمریکا باید قبل از اینکه خیلی دیر شود، تنش را کاهش دهد



جانتان هافمن

تحلیلگر ارشد خاورمیانه

تصمیم ترامپ برای پیوستن به جنگ اسرائیل علیه ایران با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، فردو و اصفهان، هرگونه شانسی برای حل و فصل دیپلماتیک برنامه هسته‌ای ایران را از بین برد و ممکن است جنگی در سراسر منطقه را آغاز کند. باید از تشدید بیشتر تنش به هر قیمتی جلوگیری شود.

ادامه این مسیر، «آمریکا اول» نیست. «آمریکا آخر» است. استراتژی فعلی ترامپ از اهداف سیاسی ظاهری آن جدا شده است. این استراتژی، ایالات متحده را در مسیر جنگ قرار می‌دهد، نه صلح. برای جلوگیری از فاجعه‌ای دیگر در خاور میانه، ترامپ باید جلوی اقدامات نظامی بیشتر ایالات متحده را بگیرد و به حمایت آمریکا از تهاجم اسرائیل علیه ایران پایان دهد و فوراً به سمت تلاش برای احیای مذاکرات با تهران حرکت کند.

پیش از آنکه اسرائیل این جنگ را آغاز کند، ایالات متحده و ایران درگیر مذاکراتی بودند و تلاش می‌کردند مسئله هسته‌ای را از طریق دیپلماسی حل کنند. ترامپ در برابر فشار اسرائیل برای حملات نظامی به ایران مقاومت کرد و به جای آن به مذاکره پرداخت. اما ترامپ در برابر فشار اسرائیل و تندروها در واشنگتن تسلیم شد، ابتدا به حملات اسرائیل به ایران چراغ سبز نشان داد و سپس با صدور مجوز حمله به سه تأسیسات هسته‌ای ایران به جنگ پیوست.

پیش از این حملات، ترامپ بارها تأکید کرده بود که ایران تنها چند هفته - حداکثر چند ماه - با سلاح هسته‌ای فاصله دارد. این

در حالی است که سازمان اطلاعات ایالات متحده تأیید کرده بود که ایران در حال حاضر در حال توسعه سلاح هسته‌ای نیست و رد ادعاهای اسرائیل در این مورد، منجر به حملات اسرائیل شد. ترامپ گفت که حملات آمریکا «به طور کامل و مطلق» سایت‌های غنی‌سازی اصلی ایران را نابود کرده است. او همچنین ادعا کرد که این حملات یک عملیات یک‌باره بوده و هدف آن تغییر رژیم نیست، اما سپس این را با یک پست در رسانه‌های اجتماعی همراه کرد و گفت: «اگر رژیم فعلی ایران قادر به بازگرداندن عظمت به ایران نیست، چرا تغییر رژیم صورت نگیرد؟» ترامپ تهدید کرد که اگر ایران «صلح نکند»، حملات بیشتری انجام خواهد شد. دولت می‌تواند قبل از اینکه خیلی دیر شود، از تشدید تنش‌ها عقب‌نشینی کند.

اما بعید است که طرح ترامپ به اهداف اعلام‌شده خود برسد. اگر چه میزان خسارت وارده به تأسیسات هدف قرار گرفته هنوز در حال ارزیابی است، اما به نظر می‌رسد که این حملات به عناصر معناداری از مواد هسته‌ای ایران یا زیرساخت‌های تولیدی آن آسیب قابل توجهی وارد نکرده است. فلج کردن دائمی تأسیسات هسته‌ای ایران یک عملیات یک‌باره نیست؛ نابودی آنها مستلزم چندین موج حمله است، به این معنی که یک عملیات نظامی نامحدود ایالات متحده بر فراز حریم هوایی ایران انجام خواهد شد. در حالی که حملات به تأسیسات منفرد می‌تواند برنامه را به عقب بیندازد، اما نمی‌تواند آن را به طور دائم از بین ببرد. این برنامه به‌طور گسترده در میان انبوهی از تأسیسات شناخته‌شده - و احتمالاً ناشناخته - پراکنده است. در واقع، گزارش‌های متعددی حاکی از آن است که ترامپ از قبل به ایران اطلاع داده و بیشتر اورانیوم غنی‌شده ذخیره‌شده در این تأسیسات قبل از حملات تخلیه شده است. مقامات آمریکایی پس از حملات

اعتراف کردند که از محل ذخایر اورانیوم ایران اطلاعی ندارند. علاوه بر این، پیشرفت‌های تحقیق و توسعه‌ای که ایران از زمان لغو برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) توسط ترامپ به دست آورده است را نمی‌توان با بمباران از بین برد. اگر هدف ترامپ نابودی برنامه هسته‌ای ایران تا حدی بود که دیگر قابل بازسازی نباشد، این حملات به این هدف نرسیدند.

همچنین بعید است که این حملات ایران را مجبور به بازگشت به میز مذاکره یا تسلیم شدن در برابر خواسته‌های کلیدی مانند توقف غنی‌سازی داخلی کند. حتی اگر هنوز یک چارچوب دیپلماتیک وجود داشته باشد و بتوان آن را به دست آورد، ایران تقریباً مطمئناً از خواسته‌های خود در مذاکرات عقب‌نشینی نخواهد کرد. افزایش فشار از سوی ایالات متحده، از نظر تاریخی موضع تهران را سخت‌تر کرد و در عین حال صداها میانه‌روتر را در تهران تضعیف کرده است. تهران با احساس اینکه تغییر رژیم می‌تواند مدنظر آمریکا باشد، در واقع می‌تواند سلاح هسته‌ای را به عنوان یک عامل بازدارنده ضروری ببیند. اگر هدف ترامپ تسلیم ایران در مذاکرات بود، حملات او احتمالاً آیسن امر را دشوارتر کرده است.

واگذاری ابتکار عمل واشنگتن به نتانیاهو همچنین خطر هدایت ترامپ به مسیری را دارد که برای منافع ایالات متحده مضر است. حملات اسرائیل برای پیشگیری از یک تهدید قریب‌الوقوع نبود، بلکه تلاشی عمدی برای خرابکاری در دیپلماسی جاری آمریکا با ایران بود. برای نتانیاهو، مشکل اصلی حکومت ایران است. از نظر او، هرگونه توافق هسته‌ای با تهران نوعی مماشات تلقی می‌شود و باید با آن مخالفت شود زیرا مسیر تغییر رژیم را مسدود می‌کند.

نتانیاهو حمله خود را به بهانه مشکوک جلوگیری از توسعه



خسارتی که یکی از موشک‌های ایرانی به تل‌آویو وارد کرد/ عکس: Getty Images

Bloomberg

آتش‌بس شکننده و بازار نفت

دو چیز را روشن کرده است: اینکه نمی‌خواهد قیمت نفت بالاتر از ۷۰ دلار در هر بشکه باشد و اینکه هنوز فکر می‌کند تهران و واشنگتن می‌توانند با یکدیگر گفت‌وگو کنند. بر همین اساس، بعید است که کاخ سفید تحریم‌های نفتی علیه ایران را تشدید کند. در واقع، ترامپ در این خصوص دقیقاً مشغول همان کاری خواهد بود که درباره بایدن به آن انتقاد می‌کرد: حرف زدن زیاد و عمل کردن کمتر. در آن سوی خلیج فارس، عربستان، عراق، کویت و امارات تولیدی بیشتر از ماه قبل دارند. با وجود اینکه انتظار می‌رفت پس از آخرین نشست اوپک پلاس سهمیه تولید تغییر کند، اطلاعات اولیه حمل نشان می‌دهد که افزایش صادرات بالاخص در عربستان سعودی به مراتب بیشتر از انتظار است و براساس یک برآورد در ماه ژوئن به رکورد ۹/۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

در طرف مقابل، عرضه نفت شیل آمریکا مطرح است. با رسیدن قیمت نفت به ۵۵ دلار انتظار می‌رفت که تولید در آمریکا برای ادامه

که پیشتر نیز کم‌رمق بود، انتظار می‌رود بالاخص در خاورمیانه کندتر نیز بشود. تحول بزرگتر اما در سمت عرضه رخ داده و بازار جهانی خود را در نفت غوطه‌ور یافته است.

به شکلی جالب، یکی از کشورهایی که عرضه نفت را در ماه‌های گذشته افزایش داده، ایران است. به‌رغم عدم دسترسی به داده‌های متقن، تصاویر ماهواره‌ای و اطلاعات مربوط به حمل نشان می‌دهد که تولید نفت در ایران در ماه جاری رکوردی بالاتر از هفت سال گذشته ثبت خواهد نمود و به‌رغم دو هفته جنگ با اسرائیل و بمباران آمریکا، تولید نفت در این کشور بیشتر شده است. با خواندن بین خطوط می‌توان دریافت که رئیس‌جمهور آمریکا